

امر به معروف و نهی از منکر عامل افزایش قدرت و امنیت در جامعه دینی

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۷ تأیید: ۱۴۰۱/۸/۳ سیدمحمدحسین رئیس زاده*

چکیده

اقتدار، توانمندی، امنیت و مصونیت از ارکان بقا و استمرار نظام سیاسی است که در ایجاد و حفظ آن، عوامل مختلفی دخیل اند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی در قدرت و امنیت در جامعه دینی ایفا می‌کند. یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که امر به معروف و نهی از منکر با ایفای نقش در مواجهه با تهاجم دشمنان که مبانی فرهنگی جامعه اسلامی را مورد حمله قرار می‌دهند، یکی از مبانی و پایه‌های قدرت نرم نظام سیاسی در جامعه اسلامی را شکل می‌دهد. با امر به معروف و نهی از منکر، جامعه اسلامی، زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه‌زدن، به صورت یک موجود زنده مقاوم خواهد بود؛ در پرتو اجرای دقیق و گسترده امر به معروف و نهی از منکر در همه ابعاد زندگی انسان، با بهره‌گیری از شیوه‌های درست، می‌توان ناب‌ترین نوع قدرت و امنیت نرم را شاهد بود و از مزایای بی‌شمار آن بهره‌مند شد. با توجه به کارآمدی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر جامعه دینی و حکومت اسلامی بخواهد از خطرات و آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی (که زوال تمدن‌ها را به دنبال دارد) مصون و محفوظ بماند، باید در راستای گسترش فرهنگ این فریضه و نهادینه‌کردن آن در همه ابعاد اجتماع تلاش و برنامه‌ریزی نماید.

واژگان کلیدی

امر به معروف، نهی از منکر، نظام اسلامی، قدرت نرم، امنیت نرم، جامعه دینی

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه:

mohamadhosein-raeiszadeh@miu.ac.ir

مقدمه

بقا و تداوم نظام سیاسی در هر کشوری مرهون پیاده‌سازی سیاست‌ها، اهداف، خواسته‌ها و منافع آن و دفع خطرات و نابسامانی‌هایی است که او را تهدید می‌کند. این مهم در موجودات دارای حیات هم‌چون انسان در شکل جاذبه و دافعه تجلی می‌یابد. اختلال در هر یک از این دو امر، اساس و حیات آن نظام را با تهدید مواجه می‌سازد. نظامی که نتواند منافع ملی خود را تأمین و تهدیدات رقیب را از خود دور سازد، در معرض نابودی خواهد بود. رسیدن به این دو مقوله بدون قدرت (نرم و سخت) و امنیت (نرم و سخت) امکان‌پذیر نیست. بنابراین، «اقتدار و توانمندی» و «امنیت و مصونیت» دو رکن محوری بقا و استمرار هر نظام سیاسی است. بر این اساس، امنیت ملی و افزایش روزافزون توان، توسعه و پیشرفت کشور در شمار مهم‌ترین عناصر منافع ملی کشورها و دولت‌ها است.

توانمندی و امنیت، معلول عوامل مختلف فرهنگی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و... است و هر یک از این عوامل، اهمیت خاص خود را دارد. به گونه‌ای که بی‌توجهی به هر یک از آن‌ها خسارت‌های جبران‌ناپذیری را برای ملت‌ها به دنبال خواهد داشت. بر این اساس، همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در هر کشوری باید با لحاظ این عوامل اقدام گردد. به عبارت دیگر، این عوامل در حکم اسناد بالادستی هر نظام و کشوری است که دائماً باید مد نظر دست‌اندرکاران نظام سیاسی و مردم آن کشور باشد. آموزه‌های مکتب اسلام یکی از اساسی‌ترین ارکان فرهنگ حاکم بر جوامع اسلامی است. بررسی و تبیین نقش و کارکرد این آموزه‌ها در توانمندی و امنیت جامعه دینی، علاوه بر تسهیل و هموار نمودن زمینه اجرای بیش‌تر و بهتر این دستورات در کشور، سهم به‌سزایی در تصحیح سیاست‌های کلان نظام اسلامی خواهد داشت.

این نوشتار بر اساس روش توصیفی - تحلیلی که یکی از انواع روش‌های پژوهش کیفی است، با بررسی و تجزیه و تحلیل منابع مکتوب در حوزه‌های تفکر و اندیشه اسلامی و علوم سیاسی صورت پذیرفته است. مسأله اصلی این پژوهش درک رابطه و نقش امر به معروف و نهی از منکر در تولید قدرت و امنیت نرم نظام سیاسی از دیدگاه

اسلام است. زیرا کسب قدرت و امنیت از مهم‌ترین اهداف هر نظام سیاسی از جمله نظام سیاسی اسلام به شمار می‌رود. اما از آن‌جا که به موضوع قدرت و امنیت بطور معمول از منظر قدرت و امنیت سخت‌نگریسته می‌شود، تأثیر و جایگاه این فریضه در این امر کم‌تر مورد توجه واقع می‌گردد. از این جهت، پژوهش علمی قابل توجهی هم در این زمینه صورت نپذیرفته است. از آن‌جا که نظام سیاسی حاکم بر کشورمان مبتنی بر اسلام است، ارائه مقالات در این زمینه می‌تواند از فایده و تأثیرگذاری بیش‌تری برخوردار باشد.

مفهوم‌شناسی

در پژوهش‌های علمی، شناخت مفاهیم اصلی اهمیت زائدالوصفی در عقلانیت پژوهش و نتیجه‌بخشی آن دارد. لذا قبل از ورود به بحث اصلی، پرداختن به شناخت مفاهیم ضرورت دارد.

امر به معروف و نهی از منکر

واژه «امر» در لغت به معنای طلب الزامی و یا دستور و فرمان (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۱) و واژه «نهی» در لغت به معنای منع‌کردن و بازداشتن از چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۱۲).

واژه «معروف» از ریشه عرف، دارای معانی مختلفی است که مشهورترین آن‌ها به معنای عرفان؛ یعنی شناخت و علم و پسندیده و مستحسن است. نقطه مقابل معروف، «منکر» به معنای «ناشناخته» و «ناپسند» می‌باشد (همان، ج ۹، ص ۱۵۵).

در ساختار اندیشه اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از هر گونه تلاشی که به منظور اثرگذاردن بر دیگری صورت می‌گیرد تا وی را به انجام کار واجبی و ادا سازد و یا از کار حرامی باز دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱). به دیگر سخن، واکنش در برابر افرادی است که ترک وظیفه می‌نمایند، یا در صدد آن می‌باشند، جهت جلوگیری و پیش‌گیری از ترک مجدد آن توسط مکلف.

جایگاه فریضه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

یکی از ضروریات دین مبین اسلام و مورد اتفاق شیعیان و اهل سنت، فریضه امر

به معروف و نهی از منکر است که ابعاد گسترده‌ای در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی را دربر می‌گیرد و همچون نماز، به صورت فردی و گروهی می‌تواند انجام پذیرد؛ این فریضه گسترده‌ترین وظیفه اسلامی از حیث مصداق، زمان اجرا و مکلف است؛ به گونه‌ای که هر یک از واجبات اسلامی مصداقی از معروف، و هریک از محرمات، مصداقی از منکر است. بنابراین، امثال این واجب الهی زمینه‌ساز برای امثال همه احکام شریعت و جلوگیری از فساد و فحشا می‌باشد. امام باقر 7 می‌فرماید:

واجبات الهی با امر به معروف و نهی از منکر برپا داشته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶).

هم‌چنین امام حسین 7 نیز در روایتی، اقامه شریعت را متوقف بر عمل به این فریضه بزرگ می‌دانند (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۳، حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۷۹).

بیان ویژگی‌های فریضه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات ائمه هدی : و اهتمام نظری و عملی معصومین : به این فریضه، بیان‌گر جایگاه و منزلت رفیع آن در نظام ارزشی اسلام است و لذا در متون اسلامی از این فریضه به‌عنوان «از ویژگی‌های بارز رسول خدا 9»، از باب نمونه (نحل ۱۶): ۹۰؛ نساء(۴): ۵۸؛ ممتحنه(۶۰): ۹ و نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۶) و «ویژگی مهم امت اسلامی»، (آل عمران(۳): ۱۱۰ و توبه(۹): ۷۱) و «یکی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی» (حج(۲۲): ۴۱) و «فریضه‌ای برتر از دیگر فرائض» نام برده شده است. حضرت علی 7 همه اعمال صالح را مانند قطره آب دهان در برابر دریای عظمت امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند(نهج‌البلاغه، کلمه ۳۶۶) و پیامبر اکرم 9 انجام‌دهنده این فریضه را، برترین مردم (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۶۸) می‌دانند و در برخی روایات ترک این فریضه، جنگ و دشمنی با خدا(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۴۹ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۸) تلقی شده است و بالأخره اقامه آن تضمین‌کننده سلامتی دین و دنیای مردم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۱۷۰ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵ و ۳۹۴) است.

مولا امیرالمؤمنین 7 در بیان مهمی نسبت به عاقبت بی توجّهی به امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمایند:

باید امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ وگرنه بدان شما بر شما مسلط خواهند شد و آن‌گاه نیکان شما دعا می‌کنند و دعاهای آن‌ها مستجاب نخواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۷).

شهید مطهری در ذیل جمله «فیدعو خیارکم فلا یُستجاب لهم» می‌نویسد:

اکثر این‌طور معنا می‌کنند که بعد از آن‌که بدان بر شما مسلط شدند، نیکان شما به درگاه الهی می‌نالند و خداوند دعای آنان را مستجاب نمی‌کند. امام محمد غزالی معنای لطیفی برای آن بیان کرده و می‌گوید: معنای این جمله «فیدعو خیارکم فلا یُستجاب لهم» این نیست که خداوند را می‌خوانند و خدا دعای آن‌ها را مستجاب نمی‌کند، بلکه معنایش این است، وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، آن‌قدر پست می‌شوند، آن‌قدر رعب‌شان، مهابت‌شان، عزت‌شان و کرامت‌شان از بین می‌رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می‌روند، هرچه ندا می‌کنند، به آن‌ها اعتنا نمی‌شود (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۴۵).

قدرت و اقتدار

واژه «قدرت» از نظر لغوی به معنای «توانستن»، «توانایی داشتن» که معنای مصدری آن است و «توانایی» اسم مصدر آن است (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۴۰، ص ۱۷۷). گاهی نیز مترادف با کلمه «استطاعت» و به معنای قوه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد، به کار رفته است (معین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۵۹).

قدرت در معنای اصطلاحی آن به تعبیر ویر عبارت است از: «امکان تحمیل اراده خود بر دیگری» (آرون، ۱۳۷۰، ص ۵۸۹) و از نگاه راسل «پدیدآوردن آثار مطلوب» می‌باشد (راسل، ۱۳۶۷، ص ۵۵).

اقتدار (Authority) در زبان فارسی به معنای توانمندشدن، توانایی و قدرت است

(معین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۲۱) و در زبان عربی، اقتدار به معنای «القوه» بیان می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۷۶). القوه به فارسی، نیرو و توانایی ترجمه شده است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ص ۴۶).

معادل واژه اقتدار در زبان انگلیسی، کلمه اتوریته است. این اصطلاح در دیکشنری آکسفورد «حق یا قدرت فرمان‌دادن و به تمکین در آوردن دیگران» معنا شده است. واژه «قدرت» گاه به صورت منفرد و گاه ضمن ترکیب با اصطلاحات مختلفی هم‌چون نظامی، سیاسی، علمی و فرهنگی و... مطرح شده است. اقتدار در مقابل «قدرت عریان» به «قدرت مشروع» گفته می‌شود (عالم، ۱۳۸۳، ص ۷۲). اقتدار به قدرتی گفته می‌شود که از مشروعیت و حقانیت نیز برخوردار باشد. قدرت با توجه به منبع آن، به دو قسم نرم و سخت تقسیم می‌شود.

امنیت

امنیت را در لغت چنین تعریف می‌کنند: «ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی» (معین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۵۴) و «اعتماد، آرامش روحی و روانی، تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود» (جرالخلیل، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۲). در معنای اصطلاحی مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنای آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (مظلوم، ۱۳۸۸، ش ۱۹، ص ۳۳). در واقع می‌توان گفت امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است. یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و زمام‌داران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش‌فر، ۱۳۷۸، ش ۱۴۴-۱۴۳، ص ۹۶).

اقسام امنیت

برای امنیت تقسیم‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است؛ از یک جهت به امنیت نرم و

سخت و از زاویه دیگر به امنیت عمومی و امنیت ملی تقسیم می‌گردد. دو قسم اخیر امنیت در بردارنده دیگر ابعاد امنیت فرهنگی، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و... می‌باشد.

امنیت عمومی

امنیت عمومی، وضعیتی از تفوق نظم، قانون و رعایت عدالت در یک جامعه است که شهروندان در سایه آن از تهدید و خطر در امان بوده و برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و برطرف کردن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی اطمینان خاطر دارند (سلمان خاکسار، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵-۳۴۶).

امنیت ملی

امنیت ملی یک کشور در درجه اول به معنای تأمین شرایطی است که آن کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی دور نگه‌دارد (سلمان خاکسار، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵-۳۴۶). به اعتقاد «لیپمن»:

یک ملت زمانی امن است که در صورت اجتناب از جنگ، در معرض قربانی کردن ارزش‌های خود نباشد و در صورت ورود به جنگ بتواند با پیروزی در جنگ، ارزش‌های خود را پاس بدارد (رنجبر، ۱۳۷۸، ص ۲۴).

امنیت ملی؛ یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیش‌برد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی، تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد (مهری، ۱۳۸۱، ش ۱۵، ص ۷۹).

بنابراین، امنیت ملی، امنیت نظامی صرف نیست، بلکه ملاحظات بیش‌تری را در بر می‌گیرد از جمله زمام‌داری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیکی، حیات ایدئولوژیک و... (برژینسکی، ۱۳۶۹، ص ۳). در نتیجه تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت به چنین ملاحظاتی چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می‌انجامد.

از مجموع نظرات مطروحه می‌توان نتیجه گرفت که امنیت ملی ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه دارد که [فرهنگ] یکی از مهم‌ترین محورهای امنیت نرم را تشکیل می‌دهد و این به علت نقش و کارکرد فرهنگ در اقتدار و امنیت جامعه است.

امنیت نرم به مفهوم آن است که از یک سو فرهنگ جامعه از مؤلفه‌های عقلایی، واقع‌بینانه، سازنده، عادلانه، پویا و منطبق با معیارهای مطلوب علمی شکل گرفته باشد و از سوی دیگر، فرهنگ و تولیدات فرهنگی جامعه نیز ضمن درامان‌بودن از خطر تهدیدها، از روند رشد فزاینده‌ای برخوردار باشند.

در مقابل امنیت نرم، تهدید نرم قرار دارد. در تهدید نرم، ابزار تهدید از سخت به نرم تغییر می‌یابد و نیز عنصر هدف و قلمرو تهدید از سخت به نرم جابه‌جا می‌شود (ذوالفقاری و عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۹، ش ۳۹، ص ۱۵۲). در تهدید نرم، عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک نماید. به عبارتی، تهدید در هر بعد و شکل، یک هدف اساسی را دنبال می‌کند و آن عبارت است از «تحمیل اراده بر حریف و انجام رفتار مطلوب و مورد نظر تهدیدکننده». یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق الگوپردازی است و بخش دیگر آن را باورسازی و مسخ الگوهای رایج تشکیل می‌دهد (گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱).

بنابراین، می‌توان گفت که تهدید نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتارهای نظام حاکم تعارض داشته باشد.

قدرت نرم و امنیت نرم در عین حال با یکدیگر دارای رابطه‌ای طرفینی هستند و هر دو هم‌دیگر را تقویت و در صورت ضعف، هم‌دیگر را تضعیف می‌نمایند. هیچ ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و هم‌بستگی اجتماعی قادر به حرکت در

مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعه جهانی نخواهد بود. این اعتماد در دو سطح مردم - مردم و حاکمیت - مردم قابل تجلی و بازتاب است (قدسی، ۱۳۸۹، ش ۳۰، ص ۱۳۳).

قدرت نرم با تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان کشور را تقویت کرده و در راستای وضعیت مطلوب خویش قرار می‌دهد. فرهنگ مجموعه‌ای از بایدها، نبایدها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که مردم به آن‌ها باور دارند و در سایه آن‌ها سبک زندگی فردی و اجتماعی خود را شکل و سامان می‌دهند.

فرهنگ، اقتدار و امنیت نرم

فرهنگ حاکم بر یک جامعه می‌تواند نقش مثبت و یا منفی در اقتدار و امنیت کشور داشته باشد؛ زیرا رستنگاه همه «فعل و انفعالات» و «کنش و واکنش‌های» انسان‌ها عبارت است از معلومات، بینش‌ها و اعتقادات و باورهای دینی انسان. این مجموعه، فرهنگ حاکم بر فرد را تشکیل می‌دهد. بنابراین، سبک زندگی انسان و موضع‌گیری او نسبت به هر پدیده‌ای؛ اعم از فردی و اجتماعی، ریشه در فرهنگ حاکم بر افراد دارد و هرگونه تغییری در فرهنگ، تغییر در سبک زندگی و تغییر رفتار افراد، حتی در ابعاد سیاسی را به دنبال دارد. با توجه به آن‌که در حکومت‌های مردمی در بسیاری از موارد قالب‌ها و ساختارهای حکومت براساس فرهنگ و اعتقادات و ارزش‌های مردم طراحی می‌شود، اگر باورها و ارزش‌ها و فرهنگ مردم دست‌خوش تغییر گردند، التزام آن‌ها به ساختار سیاسی و قالب‌های حکومتی خود نیز سست خواهد شد و مردم در مقابل ساختار شکنی‌های اجتماعی و سیاسی حساسیت نخواهند داشت و در نتیجه بنیان آن نظام سیاسی سست خواهد گردید.

وانگهی فرهنگ حاکم بر کشورها یک‌نواخت نیست، بلکه در دنیای کنونی شاهد فرهنگ‌های گوناگونی مبتنی بر مبانی دینی، فلسفی، عرف و عادات جوامع هستیم. این فرهنگ‌ها که ریشه تمدن‌های بشریت در طول تاریخ را تشکیل می‌دهند، در برخی از موارد تعارض و کشمکش‌هایی را با یک‌دیگر دارد که جنگ‌های مختلف در تاریخ را

در پی داشته است. اگر گفته شود که نبرد تمدن‌ها ریشه در تعارض فرهنگ‌ها دارد، سخنی گزافه و اغراق نگفته‌ایم.

عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ حاکم بر جامعه‌ای، می‌تواند منشأ اقتدار و پیشرفت و یا منشأ خذلان و عقب‌گرد آن جامعه باشد. نهادینه‌شدن عناصر «مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شهادت‌طلبی، عدالت‌طلبی، صبر و مقاومت، معنویت، عزت‌مندی، ظلم‌گریزی، انضباط اجتماعی، نظم‌پذیری، وجدان کاری، توانمندی علمی، اتقان در عمل، امید به آینده، خودباوری و...» در فرهنگ یک جامعه، سهم بسزایی در بازتولید قدرت نرم و امنیت نرم در آن جامعه دارند. این چنین فرهنگی را می‌توان فرهنگ اقتدار نامید. زیرا دستاورد چنین فرهنگی عزت، عظمت، سربلندی، موفقیت، رهایی از ترس، پیروزی و در یک کلمه اقتدار برای صاحبان آن فرهنگ است. در مقابل حاکمیت عناصر فکری «ظلم‌پذیری، خودکم‌بینی، شیفته فرهنگ بیگانه بودن، سستی و تنبلی، یأس و ناامیدی، عدم وجدان کاری، قانون‌گریزی، رشوه‌دادن و گرفتن، عافیت‌طلبی و بی‌مسئولیتی و...» بر فرهنگ یک جامعه، حیثیت آن جامعه را به مسلخ برده، از آن‌ها، مردمی ضعیف، زبون و ناتوان می‌سازد که همیشه در معرض تهاجمات بیگانگان قرار دارد. چنین فرهنگی را می‌توان فرهنگ ذلت و ناتوانی نامید.

مؤثرترین، پایدارترین و کم‌هزینه‌ترین توطئه مستکبرین و دشمنان یک کشوری جهت بسط قدرت خود بر آن کشور و برای به‌زیر سلطه و یوغ خود درآوردن مردم یک جامعه، عبارت است از تحمیل و گسترش فرهنگ ذلت و ناتوانی، به جای فرهنگ اقتدار. در این صورت، تأثیرپذیران از فرهنگ ذلت، مزدوران بدون مواجب آنان خواهند شد و بدون کم‌ترین هزینه تحمیلی بر مستکبرین، اهداف آنان، تحقق و راه برای به‌زیر سلطه درآوردن مردم آن سرزمین و نیز به یغما بردن منابع سرمایه‌ای آن کشور توسط مستکبرین هموار خواهد شد.

ضرورت قدرت و امنیت نرم از دید اسلام

جست‌وجوی قدرت و امنیت از مهم‌ترین انگیزه‌های انسانی است که با جوهر

هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین امیال انسان است. انسان‌ها در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. مهم‌ترین نیاز هر جامعه در هر سطحی که باشد توانمندی و امنیت آن جامعه و افراد آن است (روشندل، ۱۳۸۸، ص ۳). امنیت، ملموس‌ترین و اصلی‌ترین بعد و تبلور قدرت است. هر بازی‌گری در عرصه ملی و بین‌المللی در جست‌وجوی قدرت بیش‌تر برای دستیابی به امنیت بیش‌تر است. تأمین توان و امنیت جامعه با همه ابعاد و اقسامش، از وظایف ذاتی حکومت در همه ادوار تاریخ بوده است. اصولاً فلسفه ضرورت تشکیل حکومت در زندگی اجتماعی انسان، تأمین امنیت و دفاع از مردم در برابر تهاجم دشمنان است تا شهروندان بتوانند بدون اضطراب و ترس به زندگی روزمره خود ادامه دهند. لذا تلاش برای بالابردن حد امنیت ملی، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های دولت‌ها و جوامع است و به عبارتی از پایه‌های سیاست داخلی و خارجی آن به‌شمار می‌رود. برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی، تقویت توان نظامی و دفاعی، جست‌وجوی متحد، بستن پیمان‌های نظامی و همراهی با نظام امنیت جمعی، همه برای نیل به چنین هدفی است (همان).

امیرالمؤمنین علی 7 تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالی امامت می‌داند و در عهدنامه مالک اشتر، ضمن تأکید بر انعقاد صلح برای تأمین امنیت، پیش‌گیری از عوامل تهدیدکننده امنیت را توجیه می‌کند و صلح، از آن جهت از سوی امام 7 مقدس و مطلوب به حساب آمده که راهی برای برقراری امنیت است:

آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد
(نهج البلاغه، نامه ۵۳).

براین اساس، اسلام هر نوع انظلام و ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی را نفی و ایجاد وحشت و هراس را در دل انسان‌هایی که مرتکب خلافی نشده‌اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند و آن را از جرایم می‌شمارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۲).

فرهنگ اسلامی، قدرت و امنیت

فرهنگ اسلامی از مؤلفه‌هایی برخوردار است که در صورت عملیاتی‌شدن و تحقق‌یافتن این مؤلفه‌ها، مسلمانان و مستضعفین را قدرت و امنیت می‌بخشد. منابع قدرت نرم اسلامی بر ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، ولایت‌مداری، حق‌گرایی، آزادی‌خواهی، بیداری و هشیاری نسبت به تحریکات دشمن، بصیرت‌داشتن، نفی ظلم به دیگری، زیر بار ظلم نرفتن، مسؤولیت‌پذیری، اصل تعاون و استقلال‌طلبی و... استوار است. به‌گونه‌ای که ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی خود نیز تأثیرگذار می‌باشد.

برخی از این مؤلفه‌ها که این مهم را به‌دنبال دارد و از مبانی مهم اسلام است عبارتند از موضوع دعوت،^۱ نصیحت و خیرخواهی، تواضع به حق (نحل: ۱۶): (۱۲۵)، پرهیز از ظلم به دیگران و زیر بار ظلم ظالمین نرفتن (بقره: ۲): (۲۷۹)، ضرورت بصیرت‌افزایی (یوسف: ۱۲): (۱۰۸)، صبر و تقوا (آل عمران: ۳): (۱۸۶)، دشمن‌شناسی (طه: ۲۰): (۱۱۷)، احیای امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۳): (۱۱۰)، ولایت‌پذیری^۲ و اطاعت از رهبری (نساء: ۴): (۵۹)، شفاف‌سازی و مشخص کردن مرزهای خود با دشمنان اسلامی که به کم‌تر از دست‌برداشتن مسلمانان از دین اسلامی قانع نیستند (بقره: ۲): (۱۲۰؛ آل عمران: ۳): (۲۸؛ نساء: ۴): (۱۴۴ و مائده: ۵): (۵۱)، تقویت بعد نظامی (انفال: ۸): (۶۰)، تبعیت‌نکردن از سیاست گام‌به‌گام شیطان (بقره: ۲): (۱۶۸)، پرهیز از غفلت از دشمن و توطئه‌های آن (نهج البلاغه، نامه ۶۲) دعوت، احتراز از گفتار بدون علم (اسراء: ۱۷): (۳۶ و نور: ۲۴): (۱۵)، توجه به کارکرد خانواده (تحريم: ۶۶): (۶)، تقویت روحیه و افزایش نشاط (انفال: ۸): (۶۵ و آل عمران: ۳): (۱۳۹)، دانش‌افزایی (نحل: ۱۶): (۴۳؛ زمر: ۳۹): (۹ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰)، توجه به عوامل وحدت‌بخش و پرهیز از اختلاف و تفرقه (آل عمران: ۳): (۱۰۳؛ انفال: ۸): (۴۶ و نساء: ۴): (۱۹)، توجه به حقوق اجتماعی دیگران، امید به آینده (توبه: ۹): (۳۳)، دوری‌گزیدن از شایعه‌پراکنان (احزاب: ۳۳): (۶۰-۶۱)، توجه به افکار

عمومی با اجتناب از گفتارهایی که می‌تواند مورد سوء استفاده دشمنان قرار بگیرد (بقره(۲): ۱۰۴).

مواجهه استکبار جهانی و صهیونیزم بین الملل با امت اسلامی

جامعه اسلامی به دلیل ابتدای بر مرزهای عقیدتی، یک مجموعه واحدی را شکل می‌دهد که از آن به امت واحد تعبیر می‌شود. این جامعه دائماً با خطراتی از سوی دشمنان اسلام (هم‌چون یهود و نصاری) مواجه است که تمام هم و غم آنان دست‌کشیدن مسلمین از دین اسلام می‌باشد (بقره(۲): ۱۲۰). این مواجهه در شکل جنگ سخت و نیز جنگ نرم ظهور و نمود داشته و دارد. مستکبران و دشمنان عنود ذکرشده حاکمیت جهانی مؤلفه‌های اقتدارزای اسلام را به مصلحت خود نمی‌بینند و با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشعشع آن در دنیای مستضعفان و نتایج حاصله از آن دریافتند که گسترش و حاکمیت این فرهنگ در دنیا خصوصاً جهان اسلام، نه تنها منافع استکباری آنان، که هویت و کیان آنان را به‌خطر می‌افکند. لذا تهاجم وسیعی را علیه آن در سراسر دنیا و کشورهای مختلف صورت دادند.

بر این اساس، واقعیت انکارناپذیری که در جهان بشریت خصوصاً در زمان معاصر با آن روبه‌رو هستیم، تهاجم و تهدید نرم و سخت مستکبرین خصوصاً آمریکا و صهیونیزم بین‌الملل به کشورهای اسلامی و فرهنگ اسلامی است. فرهنگی که فکر و اندیشه و انگیزه مقاومت و ایستادگی در برابر زورگویان و مافیاهای زر، زور و تزویر را در کالبد مردم تحت ستم می‌دمد و مانع سلطه اقتصادی، سیاسی و... آنان بر مردم می‌گردد.

تهدید نرم و تهاجم فرهنگی از تهدید سخت و نظامی حساس‌تر، خطرناک‌تر و زیان‌بارتر است؛ زیرا دشمن در تهاجم فرهنگی به جای تصرف و تسلط بر سرزمین‌ها و کشورها، تصرف ذهن‌ها و قلب‌ها را مد نظر قرار می‌دهد. در این تهاجم، سعی بر نابودی ارزش‌های مهم جامعه اسلامی با سه راه‌کار «غیرت‌زدایی»، «تخریب فرهنگی» و «تحمیل فرهنگی» است. در این تهاجم، دشمنان، امت اسلامی را از دو زاویه اعتقادات دینی، سلوک اخلاقی و رفتاری مورد هجوم خود قرار داده‌اند.

ضرورت مقابله با تهاجم فرهنگی

آنچه که می‌تواند تداوم، پایداری و امنیت فرهنگ اسلامی را (که تأمین و پایداری امنیت ملی را در پی خواهد داشت)، تضمین نماید، مقابله با تهاجم فرهنگی و تأمین ارزش‌های دینی و حاکمیت آن در جامعه دینی است. قرآن و معارف اسلامی، مسلمانان را در مواجهه با این دشمنی، مأمور به تقویت قدرت سخت (انفال(۸): ۶۰) و قدرت نرم (انفال(۸): ۶۵) نموده است. اسلام برای استقرار و نیز حراست از باورهای حق، ارزش‌های دینی و حاکمیت آن در جامعه اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و تمام توان خود را صرف استقرار ارزش‌های دینی و اخلاقی و تأمین امنیت آن می‌نماید. زیرا از دیدگاه دین، چیزی با ارزش‌تر از آن وجود ندارد. امیرالمؤمنین علی 7 می‌فرماید:

هرگاه حادثه‌ای پدید آمد که جان شما را تهدید کرد، با مال خویش دفاع کنید. هرگاه خطری دین شما را تهدید کرد، جان خویش را سپر دین قرار دهید؛ زیرا نابودی دین، نابودی انسان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۶). مال سپر بلای جان است، لیکن جان که عزیزترین است، سپر دین و ارزش‌های دینی در برابر خطرها است. در هنگامی که مرزهای اعتقادی و رفتاری دین مورد تهاجم مستکبران و دشمنان قرار گرفت، باید جان را فدا کرد تا دین در امان باشد.

امر به معروف و نهی از منکر، دفاع نرم و عامل پایداری امنیت، قدرت

فرهنگ غنی اسلام دارای ظرفیت‌هایی برای ایجاد قدرت و امنیت (اعم از سخت و نرم) است که امر به معروف و نهی از منکر یکی از آنها بشمار می‌آید. فریضه امر به معروف و نهی از منکر که قرآن آن را ملاک برتری امت اسلامی بر دیگر امم قرار داده خطاب به مسلمانان می‌گوید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران(۳): ۱۱۰).

آیه‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌نویسند:

در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین «امتی» معرفی شده که برای خدمت به

جامعه انسانی بسیج گردیده است. دلیل بهترین امت بودن آن‌ها این ذکر شده که «امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ایمان به خدا دارند» و این خود می‌رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست و ضمناً از آن استفاده می‌شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد، در آیین‌های پیشین نبوده است. از این بیان نیز روشن می‌شود مسلمان تا زمانی یک «امت ممتاز» محسوب می‌گردند که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد، نه بهترین امتند و نه به سود جامعه بشریت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۰-۴۹).

آثار و پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر موجب ناکام ماندن دشمن در جنگ نرم علیه امت اسلامی و به انحراف کشاندن جامعه و مسلمانان از اصول و ارزش‌های اسلامی می‌گردد. از سوی دیگر، عامل قدرت نرم آنان در مسیر جذب دیگران به آموزه‌های اسلامی است. توضیح آن‌که امر به معروف و نهی از منکر بر اصول موضوعه زیر مبتنی می‌باشد:

الف) مسؤلیت اجتماعی داشتن انسان مکلف؛ یعنی فرد در مقابل خداوند، فقط نسبت به شخص خود مسؤول و متعهد نیست، بلکه نسبت به اجتماع هم مسؤول و متعهد است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۲۲۲).

ب) تأثیر و تأثرپذیری افراد از رفتار یکدیگر: مدنی بالطبع و یا بالضروره بودن انسان، زندگی اجتماعی را برای او ضروری می‌نماید؛ طبعاً انسان اجتماعی از نظر سلوک و رفتار و اخلاق و عقاید، اثر متقابل بر روی یکدیگر دارند و برخی از انحرافات فردی ضررهای اجتماعی را به دنبال می‌آورد. چرا که زندگی انسان در اجتماع ناگزیر سرنوشت و سعادت او را به سعادت دیگر افراد جامعه پیوند می‌زند و هر فرد، بخشی از پیکره اجتماع است که صلاح و فسادش با دیگر بخش‌ها، گاه آشکار و بی واسطه و گاه ناپیدا و غیر مستقیم، در ارتباط است.

در زندگی اجتماعی عوامل تأثیرگذار بر جامعه به گونه‌ای عمل می‌کنند که در موارد

بسیاری یا همه به مقصد می‌رسند یا همه از مقصد باز می‌مانند. این نکته از تشبیه پیامبر اکرم ۹ جامعه را به کشتی و تأثیر سلامت و خرابی کشتی بر سرنوشت همه مسافران آن، به دست می‌آید که فرمود:

یک فرد تبه‌کار، در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود، وقتی کشتی در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن محلی که در آن نشسته است، پردازد و هرگاه افراد دیگر به کار او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در نقطه‌ای که نشسته‌ام تصرف می‌کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یک‌باره همگی در دریا غرق می‌شوند (ورام، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۹۴).^۳

این اثرگذاری متقابل موجب پیدایش حق انتقاد یا وظیفه ارشاد نسبت به رفتار دیگران می‌شود. این نقد و ارشاد در کشورهای عاری از قوانین دینی با عناوینی از قبیل «شهامت مدنی» یا «مسئولیت اجتماعی» شناخته و گرامی داشته می‌شود و در کشورهای اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌گردد. بر اساس به‌رسمیت شناخته شدن پیوند ناگسستنی میان «فرد و جامعه» و رابطه متقابل صلاح و فساد فرد و جامعه در اندیشه اسلامی، انسان مطلوب، انسانی است که هم صالح است و هم مصلح. بر همین اساس، عاقبت‌طلبی و بی‌مسئولیتی از سوی مؤمنان واقعی به کناری گذاشته شده است و نمی‌توان گفت که:

عیب‌رندان نکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش هرکسی آن درود عاقبت‌کار که کشت
(حافظ، ۱۳۵۷، ص ۹۹، غزل ۸۰).

ج) محصور نبودن عقوبت گناه بر گناه‌کار: برخی گناهان آثار عقوبتی فردی صرف ندارد، بلکه دامن جامعه را هم می‌گیرد:

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»
(انفال (۸): ۲۵).

برخی گناهان افزون بر آن که سبب آفت زدگی فرد گناهکار می‌شود، موجب آفت یک امت نیز می‌شود. امام صادق 7 از امیرالمؤمنین 7 نقل می‌فرماید:

ای مردم! همانا خداوند متعال عموم مردم را به گناه عده‌ای خاص عذاب نمی‌کند، اگر آن عده در خفا آن کار زشت را بکنند و عموم از آن آگاه نباشند. اما اگر عده‌ای خاص آشکارا گناه کنند و عموم مردم اعتراض نمایند، در این صورت هر دو دسته سزاوار کیفر خداوند متعال هستند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵).^۴

و نیز رسول اکرم 9 فرموده است:

هر گروهی که در میان‌شان گناه کنند و ایشان از گناه‌کاران قوی‌تر و بیش‌تر باشند و جلوگیری نکنند، خداوند از جانب خویش همه را عقوبت کند (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۱۱).^۵

از امام باقر 7 نیز در این مورد روایت شده است که فرمود:

خدا به شعیب پیغمبر 7 وحی کرد که صد هزار تن از قوم تو را عذاب خواهم کرد، چهل هزار از بدان و شصت هزار از نیکان. شعیب گفت: پروردگارا! اشرار درست، اختیار چرا؟ خدای بزرگ به او وحی کرد، چون با اهل معاصی سازگاری کردند و برای خشم من خشم نگرفتند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۸۱).

د) از سوی دیگر، وقتی ملتی درباره گناه معینی احساس تنفر و حساسیت نداشت و به نهی از منکر قیام نکرد، آن گناه گسترده و فضای زیست آن ملت را آلوده می‌کند و چنین ملتی محکوم به سقوط می‌شود. قرآن کریم در این مورد بیان می‌دارد:

«كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ» (مائده: ۵): (۷۸).

ه) حق برخورداری هر فرد از محیط سالم برای رشد و تعالی: انسان از نگاه اسلام موجودی است انتخاب‌گر، اگر زمینه تجاهر به فسق و فجور علنی باز باشد، عملاً عامه مردم و توده‌ها را در معرض یک فشار سنگین قرار می‌دهد که چه بسا راه انتخاب را به روی او ببندد، هزینه خوب زیستن را بالا برده و در نتیجه توده مردم تاب تحمل آن

هزینه سنگین را نداشته، خود به خود به سوی مسیر انحرافی گام بر خواهند داشت. از باب مثال، در جامعه‌ای که دیکتاتوری به اوج برسد و هر ندای حق‌طلبی و آزادی‌خواهی را با شکنجه و گلوله جواب بدهند، در چنین جامعه‌ای امکان رشد سالم استعداد‌های حق‌جو کاهش می‌یابد. این جاست که در روایت می‌گوید:

«فإذا عمل بها علانية و لم یغیر علیه أضرّت بالعامّة» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۴۰۷).

این‌جا خطری است بر سر راه توده‌ها و بر سر راه عموم مردم، آن‌ها در معرض لغزش قرار می‌گیرند. برای این‌که توده‌ها در معرض تازیانه‌های انتخاب‌گری بر جاده فساد و تباهی و شهوت قرار نگیرند، باید محیط علنی اجتماع از این‌گونه انحراف‌ها پاک باشد و زمینه برای رشد فضیلت‌ها باز شود؛ چرا که:

«المعصية إذا عمل بها العبد سرّاً لم تضرّ إلّا عاملها» (بهشتی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۲).

در روایات اسلامی از امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان زمینه‌ساز تحقق دیگر فرائض (کلینی، ۱۴۰۷ق ج ۵، ص ۵۶)^۶ و نیز زمینه‌ساز امنیت راه‌ها، کسب و کار حلال، تأمین حقوق افراد، آبادی زمین، انتقام از دشمنان و روبه‌رو شدن کارها (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۹۷)^۷، تضمین‌کننده سلامتی دین و دنیای مردم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۱۷۰)^۸ دفع و رفع حکومت‌های ظالم و فشار آنان بر مردم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۹۴)^۹، حاکمیت محبت و عاطفه الهی و خداوندی در جامعه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۴۹ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۸)^{۱۰} یاد شده است.

بنابراین، در پرتو اجرای دقیق و گسترده امر به معروف و نهی از منکر در همه ابعاد زندگی انسان، با بهره‌گیری از شیوه‌های درست، می‌توان ناب‌ترین نوع قدرت و امنیت نرم را شاهد بود و از مزایای بی‌شمار آن بهره‌مند شد. جامعه‌ای که در آن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نهادینه شود، دارای مؤلفه‌های زیر خواهد بود:

الف) محیط مساعد اجتماعی برای رشد ارزش‌های اخلاقی و الهی و پرورش استعداد‌های انسانی توده‌ها.

ب) مجال نیافتن زشتی‌ها برای خودنمایی؛ زیرا تک تک افراد جامعه خود را نسبت به آن مسؤول دانسته و به اصلاح آن قدم پیش می‌گذارند و این بهترین زمینه برای اقامه قوانین دین در جامعه است. به عکس، جامعه‌ای که در آن امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده شود، گناه و ظلم و عدوان و تباهی رواج پیدا خواهد کرد و چنین جامعه‌ای محیط مساعدی برای رشد نقطه‌های ضعف بشری و پژمردگی نقطه‌های قوت و خیر بشری خواهد بود (بهشتی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹).

ج) کاهش هزینه خوب‌زیستن افراد و انجام کارهای نیک در جامعه و افزایش هزینه فاسدبودن و انجام فساد؛ این فریضه هزینه فسادگرایی را بالا برده و هزینه پاک‌زیستن را کم می‌نماید و در نتیجه گرایش توده مردم به صلاح و خوب‌زیستن و التزام عملی آن‌ها به ارزش‌های اسلامی بیش‌تر می‌گردد.

د) بالا رفتن و افزایش ضریب غیرت دینی و حساسیت مردم نسبت به آموزه‌های الهی؛ کما این‌که هدف جنگ نرم نیز پایین آوردن ضریب حساسیت جامعه نسبت به معتقدات دینی و ارزش‌های ملی است و در نتیجه وقتی ضریب حساسیت مردم نسبت به باورهای مذهبی، گرایش‌ها، اعتقادات پایین آمد، این امر باعث می‌شود که تهاجم فرهنگی به تهاجم سیاسی منجر شود.

ه) مهار شدن قدرت دولت و پایین آمدن ضریب فساد دولتی؛ وقتی که از سوی مردم بر فعل و انفعالات دولت نظارت و حساسیت وجود داشته باشد، ضریب ریسک‌پذیری دولت‌مردان در ذبح منافع ملی در پیش‌گاه منافع شخصی و حزبی کم خواهد گردید. زیرا که در صورت مخالفت با ارزش‌های ملی و دینی مردم، افکار عمومی علیه دولت‌مردان بسیج خواهد گردید و ادامه حکمرانی آنان به خطر خواهد افتاد.

البته مقابله دین با تهاجم فرهنگی سلسله مراتبی دارد (مراحل امر به معروف و نهی از منکر) و در مواجهه با تهاجم فرهنگی صرفاً به برخوردهای فیزیکی (مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر) بسنده و تأکید نمی‌کند، بلکه از مراحل نرم و پایین آغاز تا به مراحل سخت و فیزیکی و مرحله عالی می‌رسد (امام خمینی، ۱۳۷۹ الف)، ج ۲، ص ۴۵۳). از باب مثال، هنگامی که باورهای اعتقادی مردم مورد خطر و تهاجم و تهدید

نرم قرار بگیرد، در مرحله اول اسلام در مبارزه با آن بر شکوفایی فرهنگ حق و روشن‌گری بر اساس جدال احسن تأکید دارد (نحل (۱۶): ۱۲۵) و نیز در زمینه تهاجم دشمن به سلوک و رفتار دینی مردم؛ چه در ناهنجاری‌های فردی و چه ناهنجاری‌های اجتماعی، چون خاستگاه ناهنجاری‌های اجتماعی مردم را فرهنگ و نیز فقر اقتصادی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷) تشکیل می‌دهد، در مرحله اول تلاش اصلی دین بر وادارکردن مردم و حکومت به ازبین‌بردن این زمینه‌هاست. سپس بر مراحل دیگر امر به معروف و نهی از منکر که عبارت است از انکار قلبی و زبانی، اذعان و تأکید دارد و در صورت مؤثر نبودن، از اهرم‌های مقابله سخت بهره می‌برد و با ایجاد نیروی قضایی نهادینه و قانون‌مند و با تنظیم قوانین کیفری، با مظاهر فساد و تباهی برخورد می‌کند. قوانینی هم‌چون: «زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزیند» (نور (۲۴): ۲) و «دست زن و مرد دزد را قطع کنید» (مائده (۵): ۳۸).

دلیل رعایت این سلسله مراتب آن است که برخوردهای فیزیکی، نظامی و سخت نمی‌تواند در افزایش ضریب تدافعی (امنیت نرم) و توانشی (قدرت نرم) در مقابله با تهدیدات نرم کارآمد باشد. چون‌که در گفتمان نرم‌افزاری، قدرت نرم متکی بر توان شکل‌دهی بر ترجیحات دیگران، از طریق جذابیت است. تهدید نرم به معنای تردید در مبانی، زیرساخت‌های یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بحران در الگوهای رفتاری جامعه است (جهان‌بین و امامی، ۱۳۹۳، ش ۱۰، ص ۱۰). بدیهی است، اگر تهاجم دشمن فراتر از فرهنگ بود و با زور و تزویر خواست زمینه تحمیل فرهنگ باطل و گسترش آن را فراهم آورد، در آن صورت، نه تنها با اندیشه، بلکه دستور دفاع از ارزش‌های اسلامی را با ایشار مال و سرمایه و حتی با جان را صادر می‌نماید. رفتار و عمل رهبران دینی هم بر این پایه بوده است. حضرت علی ۷ فرمود:

«و اعلموا أنّ الهالك من هلك دينه و الحریب من حرب دينه» (کلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۶).

نتیجه گیری

نهادینه کردن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به منزله داشتن جامعه‌ای است با ویژگی‌های تقویت ایمان مذهبی، تداوم شعائر دینی، برخوردار از بصیرت و برادری اسلامی و روحیه مقاومت و پایداری در برابر دشمن، فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، رضایت‌مند، امیدوار، ولایت‌مدار همراه با نصیحت حکام، برخوردار از سلامت دین و دنیا، دارای وجدان کاری، بیدار و هشیار، عطف و مهربان، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، برخوردار از نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر، فساد و تبعیض که همگی مصادیقی از قدرت نرم‌اند و امنیت نرم در جامعه را به دنبال دارد. بنابراین، همان‌طور که کوک می‌گوید:

اگر فرهنگ را مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم به شمار آوریم و نمودهای اسلامی آن را در فرهنگ شهادت، فرهنگ مقاومت، فرهنگ قناعت، فرهنگ معنویت، فرهنگ عزت‌مندی و فرهنگ توانمندی علمی سراغ گیریم، تمامی آن‌ها می‌توانند از یک آبشخور سیراب شوند و آن امر به معروف و نهی از منکر است. زیرا تمامی موارد یادشده مصادیقی از معروف‌های سفارش‌شده در اسلام‌اند (کوک، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۷۶).

با توجه به کارآمدی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، جامعه‌ای که بخواهد از خطرات و آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی (که زوال تمدن‌ها را به دنبال دارد) مصون و محفوظ بماند، باید در راستای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و نهادینه کردن آن در همه ابعاد اجتماع تلاش و برنامه‌ریزی نماید. بدیهی است دشمنان نیز برای ضربه‌پذیرکردن آن جامعه با ترفندهای بی‌شماری از جمله استفاده از خشونت در صدد دورکردن مردم و به فراموشی سپردن این فریضه مهم در جامعه می‌باشند. فریضه‌ای که به تعبیر امام علی ۷ برترین واجب در بین واجبات اسلامی از حیث ارزشمندی است. به گونه‌ای که همه اعمال صالح از جمله جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره آب دهان در برابر دریای پهناور است (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۶۶).^{۱۱} بنابراین، بر امت و دولت‌های اسلامی ضرورت دارد در

جهت تقویت و حفاظت خویش از توطئه‌های دشمنان عنود اسلام، به تثبیت، تعمیق و گسترش این فریضه با همه گستره آن بپردازند. بدیهی است هر اندازه حضور این فریضه و احیای این فرهنگ بیش‌تر باشد، توان امت اسلامی بیش‌تر خواهد بود و بر عکس، هرگونه سستی در این رابطه آنان را ضربه‌پذیرتر از مکر و حيله مستکبرین خواهد نمود.

نظام جمهوری اسلامی نیز که امر به معروف و نهی از منکر «یکی از علل محدثه و مبقیه» آن است، اگر بخواهد با قدرت به سوی اهداف اساسی خود گام بردارد و در مقابل تهاجم دشمنان پایدار بماند، لازم است به احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه در سطح ملت و دولت اقدام نموده و بر این منش استوار و با ثبات باقی بماند. سخنان حضرت امام خمینی 1 و مقام معظم رهبری (حفظه الله) بیان‌گر ایفای دو نقش مزبور برای این فریضه الهی در این انقلاب است؛ از باب نمونه به سخنی از این دو اسطوره صبر، بصیرت، استقامت و امر به معروف و ناهی از منکر بسنده نموده و این مقاله را به پایان می‌بریم.

امام خمینی 1 می‌فرماید:

وقتی یک کشوری ادعا می‌کند که جمهوری اسلامی است و می‌خواهد جمهوری اسلامی را متحقق کند، این کشور باید همه افرادش امر به معروف و ناهی از منکر باشند. اعوجاج‌ها را خودشان رفع بکنند... و آن‌ها را امر به معروف کنند و از منکرات نهی کنند (امام خمینی 1379 (ب)، ج 13، ص 470).

مقام معظم رهبری (حفظه الله) نیز می‌فرماید:

مگر طور دیگری می‌شود این کشور را، با این همه دشمن و بدخواه که چشم طمع به منابع زیرزمینی و بازارهای آن دوخته‌اند، حفظ کرد؟! ... در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه‌زدن به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و

نهی از منکر است که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَيْسَلُنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ». قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اختیار به این است که در جامعه امر به معروف و از منکر باشد... (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷).

قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است. این هاست که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد. ... اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آن‌گاه این نظام اسلامی، همیشه تر و تازه و با طراوت و شاداب می‌ماند (همان، ۱۳۷۹/۴/۱۹).

یادداشت‌ها

۱. حکومت و جامعه اسلامی به تبع امر الهی مأمور به دعوت است تا از این طریق زمینه سعادت و نتایج سایر ملل را نیز فراهم سازد. به عبارت دیگر، نظام اسلامی موظف به ارائه الگویی به روز و کارآمد برای حیات سعادت‌مندانه است تا برای دیگر بازیگران اسوه و راهنما قرار گیرد.
۲. اهمیت رهبری تا آن جاست که قرآن، وقتی مردم را در مورد ترک نماز جمعه سرزنش می‌کند، خطاب به آنان می‌فرماید: «و ترکوک قائما» (جمعه ۶۲: ۱۱)؛ یعنی زشتی کار آنان در این است که رهبری جامعه را ترک کرده و به دنبال مسائل دیگر می‌روند، نمی‌گویند نماز جمعه را ترک می‌کنند و ثواب آن را از دست می‌دهند.
۳. عن النبی ﷺ: «إِنْ قَوْمًا رَكَبُوا سَفِينَةَ فِي الْبَحْرِ وَاقْتَسَمُوا فِصَارَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَوْضِعَهُ فَنَقَرَ رَجُلٌ مَوْضِعَهُ بِفَأْسٍ فَقَالُوا مَا تَصْنَعُ؟ قَالَ: «هُوَ مَكَانِي أَصْنَعُ مَا شِئْتُ فَإِنْ أَخَذُوا عَلِيَّ يَدِيهِ نَجَا وَ نَجَا وَ ان لَمْ يَأْخُذُوا عَلِيَّ يَدِيهِ هَلَكَ وَ هَلَكُوا».
۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِبُ الْعَامَّةَ بِذَنْبِ الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمَنْكَرِ سِرًّا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ الْعَامَّةُ فَيَاذَا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمَنْكَرِ جَهَارًا فَلَمْ تَغْيِرْ ذَلِكَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجِبَ الْفَرِيقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ».
۵. عن رسول ﷺ: «مَا مِنْ قَوْمٍ يَعْمَلُ فِيهِمْ الْمَعَاصِيَ هُمْ أَعَزُّ وَ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعْمَلُهُ ثُمَّ لَمْ يَغْيِرُوهُ إِلَّا عَمَّهِمُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ بِعِقَابٍ».
۶. امام باقر 7 می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمَنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمِظَالِمَ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضَ وَ

ينتصف من الأعداء و يستقيم الأمر»؛ امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی می‌باشند که سایر واجبات با آنها برپا می‌مانند و به‌وسیله این دو، راه‌ها امن و کسب و کار مردم حلال می‌شود. با این دو واجب است که داد ستم‌دیدگان ستانده می‌شود و زمین آباد می‌گردد.

۷. امام حسین 7: «فبدأ الله بالأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فريضة منه لعلمه بأنّها إذا أدّيت و أقيمت استقامت الفرائض كلّها هيّتها و صعبيها و ذلك أنّ الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر دعاء إلى الإسلام مع ردّ المظالم و مخالفة الظّالم و قسمة الفیء و الغنائم و أخذ الصدقات من مواضعها و وضعها في حقّها».

۸. امام علی 7: «من كان فيه ثلاث سلمت له الدنيا و الآخرة: يأمر بالمعروف و ياتمر به و ينهى عن المنکر وينتهى عنه و يحافظ على حدود الله جل و علا».

۹. امام علی 7: «لا تتركوا الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فيؤلّي عليكم [أشراركم] شراركم ثم...».

۱۰. امام صادق 7: فرمودند: «کسی که توانایی نهی از منکر را داشته باشد و نهی از منکر نکند، دوست دارد که خداوند اطاعت نشود و کسی که نافرمانی خدا را دوست داشته باشد، آشکارا با خداوند دشمنی کرده است» و رسول اکرم 9 «إذا امتی تاواکلت الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فليأذنوا بوقاع من الله».

۱۱. «و ما اعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر الا كنفثة (آب دهان) في بحر لحي (دریای پهناور)».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۲، ۱۳۷۰.
۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، تصحیح أمين محمد عبدالوهاب و محمدالصادق العبيدي، ج ۱۴ و ۹، بیروت: دار احیاء التراث الإسلامی، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۱۴ق.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ (الف).
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۳، تهران: انتشارات طبع و نشر، ۱۳۷۹ (ب).
۷. برژینسکی، زیگنیو، در جست‌وجوی امنیت ملی، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.

۸. بهشتی، محمد، **بایدها و نبایدهای امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن**، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیه‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۹۶.
۹. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحة**، تهران: دنیای دانش، چ ۴، ۱۳۸۲.
۱۰. جرالخلیل، فرهنگ لغت لاروس، مترجم: سیدحمید طیبیان، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۷۵.
۱۱. جهان‌بین، فرزاد و امامی، اعظم، «سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، ش ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۲. حر عاملی، محمدبن‌الحسن، **الفصول المهمة فی أصول الأئمة - تکملة الوسائل**، ج ۱۱ و ۱۶، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا ۷، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، محقق: علی‌اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با علما و روحانیون**، ۱۳۷۱/۵/۷.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام**، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۱۶. خوش‌فر، غلامرضا، «نقش امنیت در تحقق قانون‌گرایی در جامعه»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۱۴۴-۱۴۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۸.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت نامه**، ج ۴۰، تهران: چاپ سیروس، ۱۳۳۹.
۱۸. ذوالفقاری، حسین و عصاریان‌نژاد، حسین، «روی‌کرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، ش ۳۹، ۱۳۸۹.
۱۹. راسل، برتراند، **قدرت**، ترجمه نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی، چ ۲، ۱۳۶۷.
۲۰. رنجبر، مقصود، **ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۲۱. روشندل، جلیل، **امنیت ملی و نظام بین‌المللی**، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
۲۲. سلمان خاکسار، عبدالحمید، **حکومت، فرد و امنیت**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۹.
۲۳. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، تحقیق سیدحسن الموسوی الخراسان، ج ۶، قم: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۲۴. طباطبایی، مصطفی، **فرهنگ نوین عربی به فارسی**، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۶.
۲۵. عالم، عبدالرحمن، **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، **مبانی اندیشه اسلام**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۵.

۲۷. فئیومی، احمد بن محمد بن علی، **المصباح المنیر**، ج ۱، قم: دارالهجرة، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
۲۸. قدسی، امیر، «جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، ش ۳۰، ۱۳۸۹.
۲۹. قزوینی، غنی، **دیوان حافظ**، به کوشش مصطفی خدادادی، تهران: خجسته، ۱۳۷۷.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱، ۵۲، تهران: دارالکتب الإسلامية، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۳۱. کوک، مایکل، **امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی**، مترجم احمد نمایی، ج ۱، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۲. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، **تهدید نرم و راهبردهای مقابله**، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، ج ۴۲، ۷۹ و ۹۷، بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، **مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل**، تهران: مرکز استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، **آذرخش کربلا**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۳۶. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، ج ۱۷ و ۱۰، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.
۳۷. مظلوم، علی، «امنیت و امنیت ملی»، **مجله حصون**، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۶.
۳۸. معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۳، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۴۰. مهری، عباس، «بررسی مفهوم امنیت ملی و تأثیر آن در توسعه پایدار»، **فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی**، ش ۱۵، زمستان ۱۳۸۱.
۴۱. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام**، مترجم محمدرضا عطایی، ج ۲، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۷، ۱۳۶۹.